

## تحلیلی بر عدالت اجتماعی در ساختار فضایی نواحی شهری

### (مطالعه موردی: نواحی شهر ایلام)

سعید ملکی<sup>۱</sup>

مریم آزادبخت<sup>۲</sup>

#### چکیده

شهرها پدیده‌های اجتماعی و فیزیکی پیچیده‌ای هستند که زیر فشار توسعه دائمی قرار دارند و تغییرات کمی و کیفی زیادی در آنها به وقوع می‌پیوندد. از مهمترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه کالبدی شهرهای کشور در دهه‌های اخیر، از هم پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهر بوده که زمینه نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از این خدمات را فراهم کرده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل عدالت اجتماعی در ساختار فضایی و نواحی شهری با تأکید بر خدمات آموزشی و فرهنگی در شهر ایلام انجام شده است که از نظر ماهیت، نظری - کاربردی و از لحاظ روش مطالعه، توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

در این پژوهش، ابتدا با استفاده از مدل تاپسیس، به رتبه‌بندی نواحی اقدام شد که نشان داد یافتن الگوی واحد توزیع خدمات آموزشی و فرهنگی در شهر ایلام، میسر نیست؛ در نتیجه این نواحی در سه سطح، بالا، متوسط و پایین قرار گرفته‌اند. بخشی از اطلاعات مورد نیاز پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شد که حاصل آن بیانگر این بود که شهروندان ناحیه پیچ آشوری، با میانگین ۳/۳۱ و شهروندان ناحیه ویژن با میانگین ۳/۱۲ از ۵، بیشترین رضایت را از کیفیت خدمات آموزشی و فرهنگی داشته‌اند؛ اما شهروندان نواحی مرکزی و بانبرز به ترتیب با میانگین ۱۳/۳۳ و ۱/۱۲ از ۵ کمترین رضایت را از خدمات مذکور داشته‌اند؛ لذا نواحی مرکزی و بانبرز در اولویت بیشتری برای واگذاری خدمات آموزشی و فرهنگی و تلاش برای بسترسازی عدالت فضایی قرار دارند.

**واژگان کلیدی:** عدالت اجتماعی، ساختار فضایی، خدمات آموزشی و فرهنگی، نواحی شهری، ایلام.

## ۱. مقدمه

شهرها پدیده‌های اجتماعی و فیزیکی پیچیده‌ای هستند که زیر فشار توسعه دائمی قرار دارند و تغییرات کمی و کیفی زیادی در آنها به وقوع می‌پیوندند (حسینی شه‌پریان، ۱۳۹۴: ۲). «از مهمترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه کالبدی شهرهای کشور در دهه‌های اخیر از هم پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهر بوده که زمینه نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از این خدمات را فراهم کرده است» (اطهاری، ۱۳۸۱: ۲۸؛ حاتمی نژاد و راستی، ۱۳۸۵: ۷۱). دیوید هاروی (۱۳۷۹) عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها را تخصیص عادلانه منابع و امکانات شهری می‌داند که بتواند به گونه‌ای هدایت شود که افراد با حداقل شکاف و اعتراض به حقوق خود دست یابند و نیازهای جمعیتی آنها در ابعاد مختلف برآورده گردد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰). عدالت همیشه از مهمترین دغدغه‌ها و از والاترین آرمان‌های انسان بوده است و به لحاظ نظری از مباحث مهم علوم اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود (لشکری، ۱۳۸۸: ۳۲). مفهوم عدالت از منظرهای مختلف قابل بررسی است و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی نیز متأثر از چندبعدی بودن این مفهوم است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۲). دیوید هاروی در کتاب با ارزش خود تحت عنوان «عدالت اجتماعی و شهر»، مفهوم عدالت اجتماعی را به معنای کمک به خیر و صلاح همگانی، توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار می‌گیرد (شکویی، ۱۹۹۹: ۱۴۱). از منظر شهرسازی نیز عدالت در برگیرنده مفاهیمی چون توزیع متناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی بدون تبعیض و تفاوت بین ساکنان یک شهر یا منطقه شهری است (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴)؛ به عبارت دیگر، نابرابری اجتماعی، ناظر به وضعیتی است که در آن، منابع و خدمات ارزشمند اجتماعی به طور مساوی در دسترس اعضای جامعه قرار نگرفته باشد (یوسفی و ورشوئی، ۱۳۹۰: ۲). وجود نابرابری در توزیع خدمات و امکانات در محله‌های مختلف یک شهر، پدیده‌ای جدید در هیچ یک از شهرهای جهان نیست (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۵)؛ اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی و

نابرابری و عدم تعادل در خدمات شهری، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است (عبدی دانشپور، ۱۳۷۸: ۳۷)؛ زیرا ساختار فضایی یک شهر، متشکل از اجزا و عناصری است که با یکدیگر در کنش متقابل هستند و ناپایداری هر کدام از این اجزا بر کل ساختار تأثیر خواهد گذاشت (ساج و وارد، ۱۳۸۰: ۹۰). این نابرابری و عدم تعادل در شهرها امری طبیعی است و از بین بردن آن اگر اغراق نباشد، غیرممکن است؛ ولی می‌توان آن را به حداقل ممکن رساند. نابرابری قابل اجتناب نه تنها نابرابری است؛ بلکه نوعی بی‌عدالتی به شمار می‌رود؛ زیرا ساخته دست بشر است و با دانش کنونی قابل رفع می‌باشد (خدمتی مرصع و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱۲). در دو دهه گذشته، مطالعات مربوط به عدالت اجتماعی و تأسیس خدمات شهری، بسط و گسترش یافته است (تسو و دیگران، ۲۰۰۵: ۴۲۵). الگوهای فضایی شهر اغلب برحسب مقولات اجتماعی متفاوت مورد توجه قرار می‌گیرند؛ به طوری که گروه‌های اجتماعی در بخش‌های متفاوتی از شهر خوشه‌بندی می‌شوند؛ برای مثال، افراد ثروتمند، مایل نیستند در فضاهایی مشابه با فقیران زندگی کنند. در اغلب اشکال، فضای شهری می‌تواند با مرز مشخص شود و از طریق الگوهای تفاوت اجتماعی و نابرابری منعکس گردد. از دسته عواملی که در جهت توجیه و مشروع‌سازی نابرابری‌ها برآمده است نگرش افراد جامعه و ذهنیت آنها نسبت به امکانات، امتیازات و فرصت‌هایی است که عده‌ای باید داشته باشند و عده‌ای حقی نسبت به آنها ندارند (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶۸). یکی از روش‌های ارائه خدمات در عدالت اجتماعی، تقسیم یک شهر به عنوان یک سیستم به مناطق مختلف و ارائه خدمات شهری متناسب با ویژگی‌های جمعیتی است (خبوک، ۱۳۹۳: ۲۶). در ایران روند تمرکزگرایی شهری که پس از اصلاحات ارضی دهه ۴۰ آغاز شد، با وقوع جنگ تحمیلی دو چندان گردید و باعث شد که کمبود امکانات و زیرساخت‌های شهری، با افزایش جمعیت شهری دو چندان گردد و گروه‌های مختلف شهری متناسب با موقعیت‌های اجتماعی و کیفیت زندگی، دسترسی‌های متفاوتی نسبت به این امکانات داشته باشند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱). شهر ایلام به عنوان مرکز استان ایلام، در سال‌های اخیر رشد شتابان و لجام‌گسیخته‌ایی داشته و به علت داشتن رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت‌پذیری، گسترش خدمات،

مرکز استان بودن و تغییرات اجتماعی، اقتصادی و ...، تحولات جمعیتی و کالبدی زیادی به خود دیده است؛ به طوری که جمعیت آن از ۱۱۶ هزار و ۴۲۸ نفر در سال ۱۳۷۰ به ۱۲۶ هزار و ۳۴۶ نفر در سال ۱۳۷۵ و با رشد ۲/۱ درصد، جمعیت آن به ۱۶۰ هزار و ۳۵۵ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است (ملکی، ۱۳۹۰: ۱۱۸)؛ بنابراین در دهه‌های اخیر با مشکل بی‌عدالتی در توزیع خدمات شهری روبه‌رو بوده است؛ به طوری که این روند افزایش جمعیت بخصوص جمعیت شهری، جریان خدمات‌رسانی را نامتعادل کرده و مسئله عدالت اجتماعی، عدالت فضایی و پایداری شهری را مطرح کرده است. پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی عدالت فضایی در برخورداری از خدمات آموزشی و فرهنگی شهر ایلام می‌باشد. اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که این افزایش سریع جمعیت و به دنبال آن، مهاجرت‌های بی‌رویه روستا - شهر، این شهر را با چالش‌های عدیده‌ای از جمله افزایش حاشیه‌نشینی و به دنبال آن، فقر شهری در بعضی از نواحی و مشکلات برخورداری از خدمات آموزشی، فرهنگی و سرانه‌های مربوط به کیفیت زندگی در داخل نواحی شهری آن روبه‌رو کرده است؛ چنانکه می‌توان این مسئله را به طور آشکار در بین نواحی آن مشاهده کرد. چنین چشم‌اندازی در راستای دستیابی به عدالت فضایی به عنوان یکی از مفاهیم اصلی توسعه پایدار شهری، نامناسب است؛ بنابراین توجه و پرداختن به وضعیت نواحی شهری ایلام از لحاظ برخورداری از شاخص خدمات آموزشی و فرهنگی از منظر عدالت فضایی و شناسایی نقاط ضعف و قوت آن می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آینده توسعه شهری راهگشا باشد.

### ۱-۱. سؤال‌های تحقیق

- آیا از لحاظ شاخص آموزش و فرهنگی، بین نواحی شهر ایلام، تفاوت معناداری وجود دارد؟
- آیا شهروندان نواحی شهر ایلام از کیفیت فضاهای آموزشی به یک اندازه رضایت دارند؟
- از دیدگاه شهروندان، کدام یک از نواحی شهر ایلام در اولویت بیشتری برای بسترسازی عدالت فضایی قرار دارد؟

### ۱-۲. اهداف تحقیق

#### اهداف اصلی

- بررسی نواحی شهر ایلام از لحاظ برخورداری از عدالت اجتماعی؛
- تحلیلی بر نابرابری در ساختار فضایی با تأکید بر خدمات آموزشی و فرهنگی.

#### اهداف فرعی

- رتبه‌بندی نواحی شهر ایلام از لحاظ برخورداری از خدمات آموزشی و فرهنگی؛
- بررسی میزان رضایتمندی شهروندان نواحی مختلف شهر ایلام از کیفیت فضاهای آموزشی و فرهنگی؛
- اولویت‌بندی نواحی شهر ایلام از نظر خدمات آموزشی و فرهنگی برای بسترسازی عدالت فضایی از دید شهروندان.

### ۱-۳. فرضیه‌های تحقیق

- بین نواحی مختلف شهر ایلام از لحاظ شاخص‌های آموزشی و فرهنگی، تفاوت معناداری وجود دارد.
- میزان رضایت شهروندان نواحی مختلف شهر ایلام از خدمات آموزشی و فرهنگی با هم متفاوت است.
- در شهر ایلام، نواحی مرکزی و بانبرز در اولویت بیشتری برای بسترسازی عدالت فضایی قرار دارند.

## ۴-۱. پیشینه تحقیق

مفهوم عدالت اجتماعی همواره در فلسفه اجتماعی از زمان ارسطو به این طرف مطرح بوده است و در دو قرن اخیر توسط هیوم و روسو مطرح گردید و اصول آن توسط بنتهام و میل فرمول بندی شد؛ با این حال، مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی از اواخر دهه ۱۹۶۰ به بعد، وارد ادبیات جغرافیایی شد و جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از سایر مکاتب تحت تأثیر قرار داد. از دهه ۱۹۷۰ به بعد، رویکرد مارکسیستی به تحلیل مسائل شهری در کشورهای پیشرفته غربی به یک جریان نیرومند تبدیل شد. جغرافیدانی مثل دیوید هاروی در انگلستان و ایالات متحده و هانری لفبور در فرانسه، به تکمیل نظریه‌های جامعه‌شناختی در زمینه مسائل و موضوعات شهری پرداختند (هال، ۱۹۹۶: ۱۹). دیوید هاروی (۱۳۷۹: ۱۲) می‌گوید: «منابع اضافی باید در جهت از میان برداشتن مشکلات ویژه ناشی از محیط‌های اجتماعی و طبیعی مصرف گردد. در کشورهای جهان سوم در زمینه توسعه شهری در دو دهه اخیر، غیبت برنامه‌های مدیریت شهری به عنوان مهمترین نیرو در شکل دادن به مسیر توسعه در ارتباطات بشری به وضوح مشاهده شده است». در ایران نیز سابقه بررسی موضوعات توسعه شهری و عدالت اجتماعی به دو دهه اخیر برمی‌گردد که از جمله این بررسی‌ها می‌توان به رساله عماد افروغ (۱۳۷۶)، مقاله نفیسه مرصوصی (۱۳۸۶)، میرنجف موسوی (۱۳۹۱) و حسین حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۷) اشاره نمود. عماد افروغ در رساله‌اش با عنوان «فضا و نابرابری اجتماعی: مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران»، بعد از ارائه نظریات رایج درباره فضا و نابرابری‌های اجتماعی، با بررسی نظری عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر و آثار آن بر شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا، به تحلیل رابطه بین فضا و نابرابری اجتماعی پرداخته است. در سال‌های اخیر نیز پژوهش‌هایی در این رابطه انجام شده که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم: نتایج پژوهش لطفی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مورد: محلات مراغه)»، حاکی از اختلاف زیاد محلات، چه در توزیع سرانه‌های شهری و چه در سطح کیفی، است؛ بنابراین باید در برنامه‌ریزی‌های آتی به توسعه همه‌جانبه محلات هم از لحاظ کیفی و هم از

لحاظ کمی توجه بیشتر شود و توزیع تسهیلات شهری بر اساس نیاز محلات صورت گیرد.

کلانتری و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود با عنوان، «توزیع فضایی امکانات و خدمات و تناسب آن با جمعیت ساکن در مناطق شهر تهران»، نشان دادند که مناطق ۲، ۳، ۶، ۷ و ۱۱ شهر تهران از نظر داشتن فضاهای ورزشی از سایر مناطق محروم‌تر هستند و مناطق ۶، ۱۰، ۱۹ و ۲۱ از نظر داشتن فضاهای ساختمانی فرهنگی، وضعیت مناسبی ندارند. مناطق ۲ و ۱۵ نیز کمترین تعداد خانه اسباب بازی را نسبت به سایر مناطق دارند.

سرایی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود با عنوان، «بررسی میزان انطباق نابرابری‌های اجتماعی و فضایی نواحی هشتگانه شهر یزد»، به رتبه‌بندی مناطق و نواحی شهر یزد از لحاظ توسعه اجتماعی با استفاده از روش تاپسیس پرداختند و نشان دادند که منطقه ۳ و ناحیه ۳-۲ در رتبه اول و منطقه ۲ و ناحیه ۲-۱ در رده آخر جای گرفته‌اند. مقایسه میانگین قیمت زمین در نواحی مختلف شهر یزد نیز با استفاده از آزمون ANOVA بیانگر این نکته بود که میان نواحی مختلف شهر از این نظر تفاوت وجود دارد.

#### ۱-۵. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، نظری - کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز در مرحله اول، کتابخانه‌ای و مراجعه به سازمان‌ها و در مرحله دوم، استفاده از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری آمار و اطلاعات بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به دو روش، صورت گرفته است: ابتدا با استفاده از مدل تاپسیس به رتبه‌بندی مناطق پرداخته شده؛ سپس بر اساس این رتبه‌بندی، میزان برخورداری نواحی شهر ایلام از خدمات آموزشی مشخص گردیده است. جامعه آماری این تحقیق، شامل نواحی پیچ آشوری، ویژن، نواحی مرکزی و بانبرز می‌باشد ( $N=52881$ ). حجم نمونه هم با استفاده از جدول مورگان، ۲۸۴ نفر برآورد شد. جهت تأیید روایی پرسشنامه از نظرات اساتید گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران و برای تعیین پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده گردید که ضریب پایایی آن، ۰/۸۴ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی اطلاعات حاصل از پرسشنامه نیز از ابزار SPSS استفاده شد.

## ۲. مبانی نظری

عدالت همیشه از مهمترین دغدغه‌ها و از والاترین آرمان‌های انسان بوده است و به لحاظ نظری از مباحث مهم علوم اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود (لشکری، ۱۳۸۸: ۳۲). بحث نابرابری اجتماعی در آرای متقدمان جامعه‌شناسی عمدتاً ذیل نظریه طبقه اجتماعی مطرح شده است که از پرنفوذترین این آرا می‌توان به آرای مارکس و ماکس وبر اشاره کرد. نزد مارکس، دو عامل اصلی در تشکیل طبقه اجتماعی دخالت دارند: شیوه تولید و مناسبات تولید. همین عامل دوم است که لایه‌های عمده مشاغل را در ساختار اقتصادی جامعه ایجاد می‌کند (تامین، ۱۳۷۳: ۷). وبر این نظر مارکس را می‌پذیرد که طبقه بر پایه شرایط اقتصادی یا مالکیت که به طور واقعی تعیین شده است، بنا می‌گردد؛ لکن عوامل غیراقتصادی را نیز در شکل‌گیری طبقه مهم می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۲۴۴). با الهام از نظریات قشربندی اجتماعی و تأکید صاحب‌نظران بر بنیان‌های چندگانه قشربندی، در حوزه تجربی نیز اکثر محققان بر این باورند که نابرابری اجتماعی، حاصل دسترسی افتراقی افراد به منابع کمیاب است که عمدتاً شامل درآمد، قدرت، منزلت و سرمایه‌های فرهنگی است (افروغ، ۱۳۷۶: ۳۰؛ چلبی، ۱۳۷۵: ۸۰؛ یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). در جغرافیای انسانی و جغرافیای شهری، نقش اول به عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی داده شد و جغرافیای انسانی، تنها در راه بهبود بخشیدن به محیط زندگی انسان و تأمین رفاه اجتماعی او اعتبار علمی یافت (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۲). از طرفی، بخش مهمی از علم بدیع توسعه پایدار بر اهمیت برابری اجتماعی یا عدالت اجتماعی تأکید دارد. به اعتقاد آگی من و ایوانز (۱۹۹۴)، در واقع، تمامی تعابیر پایداری بر اصل برابری دلالت دارند (بورتون، ۲۰۰۱: ۱)؛ از طرفی دیگر، موضوع «عدالت اجتماعی» یکی از مباحث بسیار مهم در مکتب انسان‌ساز اسلام می‌باشد، به گونه‌ای که خداوند متعال، هدف از بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل توسط مردم بیان می‌نماید (مرصوصی، ۱۳۸۶: ۱۰۷). مفهوم عدالت اجتماعی در اصل، آنقدر فراگیر نیست که بتوان در قالب آن



در مورد رفاه یک اجتماع داوری کرد. عدالت را به طور اساسی می‌توان به عنوان اصلی در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. عدالت اجتماعی نیز در واقع کاربرد این اصول خاص است (هاروی، ۱۳۷۹: ۴۲). در جهت رسیدن تمامی ساکنان شهرها به نیازهایشان به صورت یکسان، مبحث عدالت اجتماعی در فضای شهری به وجود می‌آید که بی‌توجهی به آن، تبعات بسیار ناگواری، همچون: حاشیه‌نشینی و تراکم بیش از حد یک منطقه، توسعه یک‌جانبه شهرها، خالی از سکنه شدن برخی از محدوده‌های شهری، بورس‌بازی زمین و... را در پی خواهد داشت (کلاتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴). توجه به عدالت اجتماعی تا اندازه‌ای در شهرها حائز اهمیت است که در هر یک از شاخص‌های تعیین‌کننده شهرهای سالم، بستر مطالعات و نقش کلیدی را ایفا می‌کند (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۶). نابرابری و قشربندی اجتماعی در همه جوامع انسانی وجود دارد؛ اما شدت و ضعف آن در جوامع مختلف، به کم و کیف توسعه‌یافتگی جوامع وابسته است (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۶؛ گرپ، ۱۳۷۳: ۱۶). نابرابری، یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است؛ زیرا ساختار فضایی یک شهر، متشکل از اجزا و عناصری است که با یکدیگر در کنش متقابل هستند و ناپایداری هر کدام از این اجزا بر کل ساختار تأثیر خواهد گذاشت (ساوج و وارد، ۱۳۸۰: ۹)؛ بنابراین سازمان فضایی متعادل در شهرها، نوعی از پایداری شهری است و این پایداری، زمانی محقق خواهد شد که هماهنگی و سازگاری منطقی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در شهرها به وجود آید. توزیع خدمات در شهرها که نتیجه بارز جدایی‌گزینی بوم‌شناختی است بر توزیع فضایی جمعیت در مناطق و نواحی شهری تأثیرگذار بوده است (خوارزمی، ۱۳۸۷: ۲). مفهوم نابرابری اجتماعی به طور عام، ناظر به وضعیتی است که در آن، چیزهای با ارزش اجتماعی اعم از ثروت مادی، قدرت، منزلت و سرمایه فرهنگی به طور مساوی در دسترس اعضای جامعه قرار نگرفته باشد؛ به نحوی که این دسترسی افتراقی، پایگاه اجتماعی متفاوتی را برای افراد رقم بزند و اختلافات پنهان و آشکار زیادی در بین آنها به‌ویژه از نظر حقوق، فرصت‌های زندگی، پاداش‌ها و امتیازها به وجود بیاید (راولز، ۱۳۸۳: ۸۴). در قرآن کریم به کرات از واژه عدالت استفاده شده است که نشان‌دهنده میزان اهمیتی است که خداوند برای امر عدالت

به عنوان زیربنای تعالی جامعه و تضمین کننده سعادت انسان قائل شده است (شریفی، ۱۳۸۵: ۱۱).

## ۲-۱. دیدگاه‌های نابرابری اجتماعی

دیدگاه‌های ارائه شده در این راستا را می‌توان به طور کلی، به سه دسته کارکردی، تضادی و تلفیقی تقسیم کرد:

الف) دیدگاه جامعه‌شناسانی چون دورکیم، پارسونز، سامنر، پارتو، دیویس، مور و... که با رویکرد کارکردگرایی به نابرابری پرداخته‌اند.

ب) جامعه‌شناسانی همچون: مارکس، دارند ورف، اندیشمندان مکتب فرانکفورت و... رویکردی تضادگرایانه به نابرابری دارند.

ج) جامعه‌شناسانی مانند ماکس وبر، لنسکی، گیدنز و... نگاهی تلفیقی به نابرابری دارند.

## ۲-۱-۱. نابرابری اجتماعی از دیدگاه کارکردگرایان

دورکیم (۱۳۶۹: ۶۰) معتقد بود که می‌توان به هدف همبستگی اجتماعی براساس اخلاقیات و عدالت دست یافت؛ مشروط بر اینکه تقسیم کار سرمایه‌داری اصلاح شود و از آن آنومی و تضاد طبقاتی و نابرابری اجباری رها گردد. وی پیش‌بینی می‌کرد که تکامل طبیعی تقسیم کار، موارد نابهنجار را تقلیل خواهد داد. به عقیده او، افزایش تقسیم کار در جوامع سنتی فئودالی و کاستی، منجر به بهبود مشکلات مشابهی شده است. تقسیم کار و نیاز آن به مهارت‌های خاص، منجر به از بین بردن تعصب‌هایی شده است که بر اساس آن در زمان‌های قدیم، افراد فقط به دلیل داشتن تبار اشرافی یا برتری دینی در مقام‌های بالا نشانده می‌شدند. به طور مشابه استعداد‌های ویژه‌ای که برای اشغال پایگاه‌های مهم در جامعه سرمایه‌داری ضرورت دارد، این امر را به طور فزاینده‌ای دشوار می‌سازد که پایگاه‌ها فقط بر اساس امتیاز طبقاتی ارثی اشغال گردند؛ البته به طور قطع هنوز توارث تا اندازه‌ای رواج دارد و فرصت‌های آن عده لایق را که با بخت بد زاده شده‌اند، محدود می‌سازد. با وجود این، عموم مردم به طور فزاینده‌ای معتقدند که این نابرابری‌های برونی باید ریشه‌کن شوند. مردم اعتقاد پیدا کرده‌اند که نابرابری نباید ناشی

از نیروهای بیرونی باشد و باید تفاوت، شایستگی‌های فردی، استعدادها و تلاش‌های فرد برای خدمت به جامعه را منعکس کند. اعتقاد به برابری بیرونی، یعنی آنچه را که می‌توان فرصت برابر نامید، آنقدر رایج است که نمی‌تواند توهمی صرف باشد و به طرز گیج‌کننده‌ای جنبه‌ای از واقعیت را بیان کند. پارسونز، قشربندی را به عنوان رده‌بندی واحدها برحسب معیارهای نظام ارزش‌های مشترک در یک نظام اجتماعی می‌داند؛ لذا هر نظام قشربندی، تعبیری از ارزش‌های اصلی جامعه است که به نوبه خود، سلسله مراتبی از موقعیت‌ها، افراد و هر چیز دیگر را بر اساس پایه‌های ارزشیابی خاص خود ایجاد می‌کند. قشربندی، نتیجه فوری اجتناب‌ناپذیر کنش اجتماعی است. نیروهای اجتماعی آفریننده و حامی مناسبات اجتماعی متشکل هستند و به طرز اجتناب‌ناپذیر، موجب قشربندی هستند؛ بنابراین قشربندی، شکل اجتناب‌ناپذیر وجود اجتماعی است. نظریه قشربندی مثل نظریه نظام‌های اجتماعی، آنقدر انتزاعی و کلی است که بر همه جوامع قابل اطلاق است (ادیبی، ۱۳۵۴: ۱۵). دیویس و مور معتقدند که نابرابری یک خصیصه کلی جامعه و ضرورتی سازمانی است.

به عقیده دیویس، نابرابری اجتماعی، طرح ناآگاهانه‌ای است که به جوامع، تضمین می‌دهد که بهترین مشاغل توسط شایسته‌ترین افراد؛ لیکن به طور آگاهانه اشغال شود. خلاصه آنکه اهمیت فونکسیونلی مشاغل در جامعه و کمیابی نسبی افراد واجد شرایط برای تصدی آنها، عمده‌ترین عواملی هستند که میزان پاداش‌های اجتماعی را برای مشاغل و به عبارتی موقعیت‌های مختلف اجتماعی تعیین می‌کنند. پارتو در مطالعات مربوط به نظام قشربندی اجتماعی، جامعه را به دو بخش تقسیم می‌کند: توده‌ها و نخبگان. توده‌ها در مدارج پایینی از هوش و لیاقت قرار دارند؛ ولی توانایی آنها در استفاده از خشونت و زور زیاد است؛ برعکس، نخبگان به دلیل لیاقت و هوش ذاتی خود بر دیگران برتری می‌یابند (انصاری، ۱۳۷۸: ۷۰). سامنر، بها و ارزش اجتماعی انسان را ملاک تعیین طبقات اجتماعی می‌داند و معتقد است که هر کس به اندازه استعداد طبیعی خود در این رتبه‌بندی، مرتبه‌ای را احراز می‌کند. او با الهام از مالتوس، معتقد است که هر کوششی برای کاهش نابرابری، از جمله از طریق ایجاد سیستم تأمین اجتماعی، زیانبار است؛ زیرا

به غیرشایسته‌ها اجازه می‌دهد که با استفاده از امکانات به دست آمده، مانند خرگوش، زاد و ولد کنند (ملک، ۱۳۷۴: ۱۳).

## ۲-۱-۲. برابری اجتماعی از دیدگاه رادیکال‌ها

روش‌شناسی مارکس در توصیف نابرابری‌های اجتماعی را می‌توان سهل و ممتنع دانست. از دید وی انسان، آفریننده است و کار او در شیوه تولید تبلور می‌یابد. در چارچوب هر شیوه تولید، روابط و مناسباتی بر مبنای مالکیت شکل می‌گیرد که متضمن نابرابری‌های طبقاتی است و مارکس خصلت این روابط را تضاد و کشمکش می‌داند که نتیجه محتوم هر نوع نابرابری است. شالوده اسلوب مارکسی، شناخت نابرابری که از دریچه تضاد و کشمکش طبقاتی به آن نگریسته می‌شود، درک مبانی و شکل‌های مالکیت است. از دیدگاه مارکس، مالکیت خصوصی، عامل اساسی پیدایش شکاف طبقاتی (= نابرابری) بین مردم است و این شکاف همیشه در طول تاریخ بین طبقه مالک و دارا و آنها که دارا و مالک نیستند، وجود داشته است. نگرش طبقاتی مارکس درباره تمایزات و نابرابری‌ها فقط به پایه‌های مادی مبتنی بر مالکیت خصوصی محدود نمی‌شود. او اندیشه، هنر و ارزش‌های اخلاقی را نیز بر مبنای همین تمایز و از طریق تقسیم مردم به دو گروه حاکم و محکوم درک می‌کند. از دیدگاه او نابرابری در جامعه بشری فرآیندی است که از طریق تقسیم کار محقق شده است. اهمیت نظریه کنش طبقاتی مارکس نه فقط به خاطر محتوای بدیع جامعه‌شناختی آن، بلکه به خاطر نفوذ گسترده آن بر روی آرای جامعه‌شناختی بعدی در این حوزه است. دارندورف (۱۳۷۱: ۳۶) چنین می‌گوید: «مادام که هنجارها وجود نداشته باشند و تا جایی که عمیقاً در مردم تأثیر نکرده باشند، قشربندی اجتماعی هم وجود نخواهد داشت». او قوانین را نیز چکیده هنجارها و نشانه وجود نابرابری در جامعه می‌داند و می‌گوید: «قانون، شرط لازم و کافی نابرابری اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، نابرابری وجود دارد؛ زیرا قانون وجود دارد و چون قانون هست، لاجرم نابرابری هم در میان افراد بشر وجود خواهد داشت». به نظر او، طلب کردن جامعه‌ای که از هر جهت در آن تساوی برقرار باشد نه تنها غیرواقع‌بینانه؛ بلکه آرمانی منحرف و هولناک است (ملک، ۱۳۷۴: ۷۵).



### ۲-۱-۳. نابرابری اجتماعی از دیدگاه تلفیقی‌ها

از نظر ماکس وبر (۱۳۶۷)، نابرابری اجتماعی در رابطه اجتماعی انعکاس می‌یابد. او رابطه اجتماعی را برای بیان شرایطی به کار می‌برد که دو یا چند نفر در رفتاری مشارکت دارند که در چارچوب آن هر یک از آنان، دیگری را به طرز معناداری به حساب می‌آورد و در نتیجه، رفتار مذکور بر همین اساس جهت‌گیری می‌شود. محتوای این جهت‌گیری متقابل می‌تواند متغیرترین حالات را شامل شود که از جمله آن، می‌توان کشمکش، خصومت، جاذبه جنسی، دوستی، وفاداری یا مبادله اقتصادی را نام برد. گیدنز نیز مانند وبر و مارکس به رابطه نزدیک بین قدرت و نابرابری معتقد است. او عقیده دارد که «جنسیت یکی از مهمترین زمینه‌های نابرابری است و نابرابری جنسی از نظر تاریخی بسیار ریشه‌دارتر از نظام‌های طبقاتی است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۵۳). وی در بحث برابری خواهی، تأکید عده‌ای بر برابری فرصت یا شایسته‌سالاری را مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است که این نوع برابری خود موجب نابرابری‌های عمیق در جامعه خواهد شد و به نوعی انسجام اجتماعی را نیز تهدید خواهد کرد. گیدنز با طرح این پرسش که برابری باید به چه مفهومی در نظر گرفته شود؟ سیاست نوین برابری را به عنوان «ادغام» و نابرابری را به عنوان «طرز» تعریف می‌کند (هادی زنوز، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

### ۲-۲. نقد دیدگاه‌های رایج در زمینه فضای شهری و نابرابری‌های اجتماعی

#### ۲-۲-۱. دیدگاه کارکردگرایی

دیدگاه کارکردگرایان نسبت به نابرابری اجتماعی در جغرافیای شهری، بیشتر در قالب نظریه اکولوژیست‌ها مطرح شده است. در این مکتب، در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی ارنست هاکل، به کار گرفته شده است؛ زیرا بنیان‌گذاران مکتب شیکاگو معتقدند که گروه‌های شهری با هر پایگاه اجتماعی، اقتصادی و قومی، مانند گونه‌های گیاهی، با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژیک را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می‌کنند (شکویی، ۲۰۰۰: ۳۸). نظریه‌پردازان کارکردگرایی از وجه جهانی و همیشگی بودن نابرابری نتیجه می‌گیرند که نابرابری، وجه اساسی هر سازمان اجتماعی و ضرورتی کارکردی است که در جهت کارکرد مؤثر

جامعه، ایفای نقش می‌کند. دیویس و مور دو ملاک عمده را برای اهمیت کارکردی یک موقعیت ارائه می‌کنند:

الف) میزان کمیابی موقعیت در مقایسه با سایر موقعیت‌ها

ب) میزان وابستگی سایر موقعیت‌ها به موقعیت مورد نظر

از دیدگاه آنان، نابرابری اجتماعی طرحی ناآگاهانه است که از طریق آن، جوامع مطمئن می‌شوند که مهمترین موقعیت‌ها به طور خودآگاه توسط شایسته‌ترین افراد اشغال خواهد شد. به عقیده پارک، فرآیندهای طبیعی و درونی شهر، به گونه‌ای به رقابت بر سر منابع کمیاب برمی‌گردد که در نهایت به انطباق اکولوژیک می‌انجامد. رقابت در اجتماع، برای ایجاد تعادل اجتماعی است. رقابت بین افراد و گروه‌های شغلی و طبقاتی به همکاری رقابت‌آمیز از طریق تمایز یافتگی کارکردی و توزیع فضایی موزون کارکردها در نواحی مربوط منجر می‌شود. به تعبیر پارک، تمایز یافتگی کارکردی، به طور فضایی نیز تبلور پیدا می‌کند؛ زیرا رقابت نه تنها باعث تقسیم کار می‌شود؛ بلکه گروه‌های مختلف اقتصادی را در نواحی گوناگون شهر پراکنده می‌کند. به عقیده وی، فشار بر فضا در مرکز شهر، باعث افزایش ارزش زمین می‌شود و تفاوت در ارزش زمین، مکانیزمی است که توسط آن گروه‌های مختلف کارکردی در فضا به شیوه‌ای منظم و بدون برنامه‌ریزی پخش می‌شوند (افروغ، ۱۳۷۶: ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳).

## ۲-۲-۲. دیدگاه قدرت

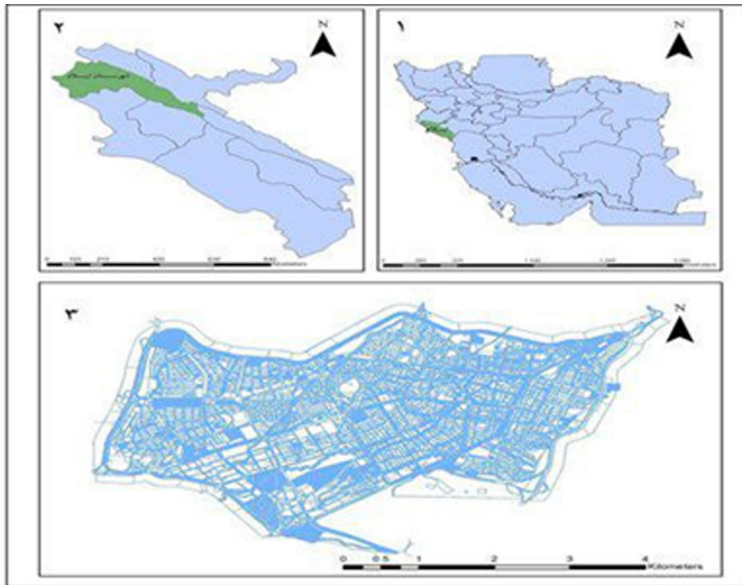
به نظر مارکس، بر مبنای موقعیت‌ها و وظایف گوناگونی که افراد در ساختار تولید جامعه دارند، طبقه اجتماعی شکل می‌گیرد. دو عامل اصلی در تشکیل طبقه اجتماعی دخیل است: الف) شیوه تولید، کشاورزی، پیشه‌وری، صنعتی؛ ب) مناسبات تولید. در نگاه مارکس، داشتن موقعیت‌های متفاوت در ارتباط با وسایل تولید، میان افراد جامعه، تضاد ایجاد می‌کند ((تامین، ۱۳۷۳: ۶)). «مارکس و انگلس، فضای شهری را قلمرویی می‌دیدند که فرآیندهای درهم‌تنیده انباشت سرمایه و ستیز طبقاتی در آن تمرکز می‌یابد. در شهرهای بزرگ، تجارت، تولید، تمرکز مالکیت و تمرکز جمعیت، به بالاترین حد خود می‌رسد و یک طبقه غنی و یک طبقه فقیر، ظاهر می‌شود. در شهرها گرایش



سرمایه به تمرکز و گرایش طبقات اجتماعی به قطبی شدن، عینیت و گسترش می‌یابد. در مجموع، دو نکته به طور اخص در دیدگاه مارکس، موجود است که مبرهن شدن رابطه فضا و نابرابری اجتماعی را یاری می‌دهد: اول، نگاه وی به شهر از بعد تولید، انباشت و تمرکز سرمایه؛ دوم، توجه به شهر به مثابه زمینه‌ای برای تمرکز اکولوژیک طبقه کارگر و در نتیجه، ظهور خودآگاهی طبقاتی به مثابه عاملی مهم در شکل‌گیری طبقات» (افروغ، ۱۹۹۸: ۲۰۴ و ۲۰۵). ماکس وبر برخلاف مارکس بر این باور بود که ارائه یک تفسیر تک‌بعدی از پدیده اجتماعی پیچیده‌ای چون نابرابری اجتماعی از اهمیت آن می‌کاهد و شاخص‌های اقتصادی را در رشد نابرابری اجتماعی، نادیده نمی‌گیرد. برای او نیز مانند مارکس، مالکیت، نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع امکانات عرضه‌شده به فرد یا طبقه ایفا می‌کند. با این وصف، او به این بعد اقتصادی، دو بعد قدرت و حیثیت را اضافه کرد. در نگاه او، مالکیت، قدرت و حیثیت با وجود وابستگی متقابلشان سه بنیان متمایزند که نظام قشربندی در هر جامعه‌ای بر روی آنها سازمان می‌یابد (تامین، ۱۳۷۳: ۹)؛ بنابراین از نظر وبر، رابطه فضا و نابرابری را نباید از بعد طبقاتی آن نگریست؛ بلکه گروه‌بندی‌های منزلتی نیز آثار و دلالت‌هایی برای تحلیل فضا و نابرابری در محیط شهری دارند (افروغ، ۱۹۹۸: ۲۰۵).

### ۳. محدوده مورد مطالعه

شهر ایلام مرکز استان ایلام است که از نظر موقعیت جغرافیایی در ۴۶ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. از نظر موقعیت جغرافیایی نیز در غرب و جنوب غربی کشور قرار دارد. این شهر دارای چهار منطقه و ۱۴ ناحیه شهری و ۳۸ محله می‌باشد (ملکی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).



شکل شماره (۱). نقشه نواحی شهر ایلام





این تحقیق برای رسیدن به اهداف مورد نظر، شاخص‌های زیر را بررسی می‌کند:

جدول شماره (۱). وضعیت و تعداد شاخص‌های آموزشی و فرهنگی در شهر ایلام

نواحی/شاخص	موزه	دانشگاه	کتابخانه	آموزشگاه موسیقی	آموزشگاه هنرهای تجسمی	مدارس دولتی	مدارس غیردولتی	انتشارات	نشریات	مؤسسات
پیچ آشوری	۱	۳	۲	۳	۳	۱۴	۱۶	۵	۱۰	۳۶
پشت صدا و سیما	۰	۴	۴	۶	۳	۱۲	۱۸	۸	۱۱	۲۴
دانشگاه پیام نور	۰	۲	۱	۴	۴	۱۱	۱۳	۱	۳	۱۰
ویژن	۱	۱	۳	۲	۰	۱۱	۱۰	۶	۱	۵
مرکزی	۰	۳	۴	۳	۰	۸	۸	۳	۱	۳
زمین شهری	۰	۲	۱	۱	۳	۲	۵	۳	۲	۱۵
زین	۰	۰	۰	۰	۳	۳	۵	۱	۲	۱۲
بانبور	۰	۰	۰	۰	۱	۳	۲	۴	۱	۱۰
سبزی‌آباد	۰	۰	۱	۲	۰	۴	۳	۲	۰	۸
بانبرز	۰	۱	۱	۱	۰	۳	۱	۱	۰	۷
نوروزآباد	۰	۰	۲	۰	۰	۵	۱	۱	۰	۲
جانپازان	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۰	۰	۰	۳
شادآباد	۰	۱	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰
استانداری	۰	۰	۰	۰	۱	۵	۰	۱	۱	۱

مأخذ: (آمارنامه شهر ایلام، ۱۳۹۲)

#### ۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. مرحله اول: رتبه‌بندی نواحی شهر ایلام از لحاظ برخورداری از شاخص‌های آموزشی، فرهنگی با استفاده از مدل تاپسیس: در پژوهش حاضر برای رتبه‌بندی نواحی شهر ایلام از مدل تاپسیس استفاده شده است. مدل تاپسیس توسط هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد شد. این مدل، یکی

از بهترین مدل‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه است و از آن استفاده زیادی می‌شود. اساس این تکنیک بر این مفهوم، استوار است که گزینه‌های انتخابی، باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشند. با توجه به شاخص‌های مورد مطالعه و محاسبه میزان تاپسیس، میزان برخورداری نواحی شهر ایلام مطابق با جدول شماره (۲) به دست آمد:

جدول شماره (۲). رتبه‌بندی نواحی شهری ایلام از نظر برخورداری از شاخص‌های فرهنگی و آموزشی

رتبه	میزان تاپسیس	نواحی	ردیف
۱	۰/۵۷۶۳	(کانون فنی و حرفه ای (پیچ آشوری	۱
۲	۰/۵۶۵۲	پشت صدا و سیما	۲
۳	۰/۵۰۳۳	دانشگاه پیام نور	۳
۴	۰/۴۸۵۷	ویژن	۴
۵	۰/۴۱۱۸	مرکزی	۵
۷	۰/۴۰۱۲	زمین شهری	۶
۸	۰/۳۹۹۱	زین	۷
۶	۰/۳۰۹۹	بانبور - هانیوان	۸
۹	۰/۲۵۱۲	سبزی‌آباد	۹
۱۰	۰/۱۵۵۳	بانبرز	۱۰
۱۱	۰/۱۰۸۵	(نوروزآباد (فرودگاه	۱۱
۱۳	۰/۰۹۱۸	جانبازان	۱۲
۱۲	۰/۰۸۱۲	شادآباد	۱۳
۱۴	۰/۰۷۱۵	استانداری	۱۴

منبع: نگارندگان

بر طبق جدول شماره (۲) و متغیرهای انتخابی، ناحیه کانون فنی و حرفه‌ای (پیچ آشوری) ایلام، از لحاظ برخورداری از شاخص‌های عدالت فضایی، با

میانگین ۰/۵۷، رتبه ۱؛ پشت صدا و سیما با میانگین ۰/۵۶، رتبه ۲؛ دانشگاه پیام نور با میانگین ۰/۵۰، رتبه ۳؛ ویژن با میانگین ۰/۴۸، رتبه ۴؛ ناحیه مرکزی با میانگین ۰/۴۱، رتبه ۵؛ زمین شهری با میانگین ۰/۴۰، رتبه ۷؛ زین با میانگین ۰/۳۹، رتبه ۸؛ بانبور - هانیوان با میانگین ۰/۳۰، رتبه ۶؛ سبزی آباد با میانگین ۰/۲۵، رتبه ۹؛ بانبرز با میانگین ۰/۱۵، رتبه ۱۰؛ نوروزآباد (فرودگاه) با میانگین ۰/۱۰، رتبه ۱۱؛ جانبازان با میانگین ۰/۰۹، رتبه ۱۳؛ شادآباد با میانگین ۰/۰۸، رتبه ۱۲ و در نهایت، ناحیه استانداری با میانگین ۰/۰۷، رتبه ۱۴ را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۳). رتبه‌بندی و سطح‌بندی نهایی نواحی شهر ایلام از لحاظ برخورداری از شاخص‌های خدمات آموزشی و فرهنگی

نواحی شهری	رتبه	ضریب اولویت (رتبه)	میانگین ضریب اولویت	سطح‌بندی نواحی
کانون فنی و حرفه‌ای (پیچ آشوری)	۱	۰/۵۷	۰/۶۳	بالا
پشت صدا و سیما	۲	۰/۵۶		
دانشگاه پیام نور	۳	۰/۵۰		
ویژن	۴	۰/۴۸		
مرکزی	۵	۰/۴۱		
زمین شهری	۷	۰/۴۰		
زین	۸	۰/۳۹		
بانبور- هانیوان	۶	۰/۳۰		
سبزی آباد	۹	۰/۲۵		
بانبرز	۱۰	۰/۱۵	پایین	
(نوروزآباد (فرودگاه)	۱۱	۰/۱۰		
جانبازان	۱۳	۰/۰۹		
شادآباد	۱۲	۰/۰۸		
استانداری	۱۴	۰/۰۷		

منبع: نگارندگان

بر طبق جدول شماره (۳)، برای شناخت بهتر نواحی شهر ایلام از لحاظ میزان برخورداری از خدمات آموزشی و فرهنگی، با توجه به شاخص‌های عدالت فضایی و استفاده از اولویت‌بندی که از نتیجه مدل تاپسیس به وجود آمد، نواحی در سه سطح بالا، متوسط و پایین، مورد سنجش قرار گرفتند؛ نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

- نواحی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۷ با میانگین ضریب اولویت ۰/۶۳ در سطح بالا و برخوردار قرار دارند.

- نواحی ۸، ۶ و ۹ با میانگین ضریب اولویت ۰/۲۰ در سطح متوسط (نیمه‌برخوردار) قرار گرفتند.

- نواحی ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۲ و ۱۴ نیز با میانگین ضریب اولویت ۰/۰۷ در سطح پایین (محروم از لحاظ برخورداری از شاخص‌های عدالت فضایی) قرار دارند.

#### ۲-۴. مرحله دوم: یافته‌های توصیفی

جنسیت: همانطور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، بر اساس یافته‌های ۲۸۴ پرسشنامه توزیع شده، ۵۴/۹۵٪ مرد و ۴۵/۰۵٪ زن بوده‌اند.

#### جدول شماره (۴). وضعیت جنسی پاسخگویان

وضعیت جنسی	تعداد	درصد
مرد	۱۷۳	۵۴/۹۵
زن	۱۱۱	۴۵/۰۵
کل	۲۸۴	۱۰۰

#### منبع: محاسبات نگارندگان

گروه سنی: بر اساس جدول شماره (۵)، وضعیت سنی پاسخگویان در پنج گروه سنی، ۱۵ تا ۷۰ سال بوده است که بیشترین تعداد پاسخگویان را گروه سنی ۲۶-۳۵ سال با فراوانی ۸۴ نفر (۲۷/۰۸ درصد) و کمترین تعداد پاسخگویان را گروه سنی ۵۶-۷۰ سال با فراوانی ۲۵ نفر (۱۱/۷۲ درصد) به خود اختصاص داده بود.

جدول شماره (۵). تعداد و درصد پاسخگویان

وضعیت گروه سنی	فراوانی	درصد
۱۵-۲۵ سال	۵۳	۱۹/۰۱
۲۶-۳۵ سال	۸۴	۲۷/۰۸
۳۶-۴۵ سال	۷۸	۲۵/۵۲
۴۶-۵۵ سال	۴۴	۱۶/۶۷
۵۶-۷۰ سال	۲۵	۱۱/۷۲

منبع: محاسبات نگارندگان

وضعیت تحصیلات: همانگونه که در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود، سطح تحصیلات پاسخگویان در پنج دسته طبقه‌بندی شده است که بیشترین فراوانی (۹۸ نفر) و درصد (۳۵/۴۲) پاسخگویان، به گروه زیر دیپلم و کمترین فراوانی (۲۵ نفر) و درصد (۹/۱۱) به گروه فوق لیسانس و بالاتر اختصاص یافته است.

جدول شماره (۶). وضعیت تحصیلات پاسخگویان

تحصیلات	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۹۸	۳۵/۴۲
دیپلم	۷۰	۲۵/۵۲
فوق دیپلم	۶۱	۱۹/۰۱
لیسانس	۳۰	۱۰/۹۴
فوق لیسانس و بالاتر	۲۵	۹/۱۱

منبع: محاسبات نگارندگان

#### ۴-۲-۱. بررسی میزان رضایتمندی شهروندان نواحی مختلف شهر ایلام از کیفیت فضاهای آموزشی و فرهنگی

بررسی کیفیت فضاهای آموزشی و فرهنگی در مناطق مختلف، از جمله کارکردهایی است که از اهمیت روزافزونی برخوردار است و با توجه به جوانی جمعیت کشورمان، لزوم تأسیس مدارس جدید، افزایش کیفیت فیزیکی مدارس و مکانیابی بهینه و مناسب آنها به طور مستمر بیشتر می‌شود. توزیع بهینه مدارس و دیگر مراکز آموزشی و فرهنگی می‌تواند ضمن فراهم نمودن امکان حصول به عدالت اجتماعی، مشکلات اقتصادی حاصل از بعد مسافت را کاهش دهد و بر کیفیت آموزشی و فرهنگی بیفزاید.

بررسی کیفیت فضاهای آموزشی و فرهنگی در نواحی مختلف شهر ایلام، با توجه به اینکه از هر ۴ منطقه، یک ناحیه مورد سنجش قرار گرفته است و نواحی انتخابی شامل پیچ آشوری، ویژن، مرکزی و بانبرز و فضاهای آموزشی، شامل ۱۰ گویه (موزه، دانشگاه، کتابخانه، آموزشگاه موسیقی، آموزشگاه هنرهای تجسمی، مدارس دولتی، مدارس غیردولتی، انتشارات، نشریات و مؤسسات) بوده‌اند، نشان می‌دهد که شهروندان ناحیه پیچ آشوری، با میانگین ۳/۳۱ و شهروندان ناحیه ویژن با میانگین ۳/۱۲ از ۵، بیشترین رضایت را از کیفیت خدمات آموزشی و فرهنگی داشته‌اند؛ اما شهروندان نواحی مرکزی و بانبرز به ترتیب با میانگین ۱۳/۳۳ و ۱/۱۲ از ۵ کمترین رضایت را از خدمات مذکور داشته‌اند (جدول شماره ۷).

#### جدول شماره (۷). میزان رضایتمندی شهروندان نواحی مختلف شهر ایلام

##### از کیفیت فضاهای آموزشی و فرهنگی

شرح	بسیار خوب		خوب		متوسط		ضعیف		خیلی ضعیف	
سنجش کیفیت خدمات آموزشی										
نواحی	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
ویژن	۹	۲۵/۱۴	۱۱	۲۹/۷۳	۱۵	۴۱/۶۲	۹	۲۵/۱۴	۱	۱/۶۲
پیچ آشوری	۱۴	۳۸/۳۸	۱۴	۳۸/۹۲	۱۴	۳۸/۳۸	۵	۱۲/۹۷	۲	۴/۸۶
مرکزی	۰/۲۰	۰/۳۳	۰/۴۰	۰/۶۶	۲/۲۰	۳/۶۱	۲۳/۲۰	۳۸/۰۳	۳۵	۵۷/۳۸
بانبرز	۰	۰	۰	۰	۲	۳/۱۴	۲۰	۳۸/۴۳	۳۰	۵۸/۴۳

منبع: محاسبات نگارندگان

#### ۲-۲-۴. بسترسازی عدالت فضایی خدمات شهری در سطح نواحی مختلف

##### شهر ایلام از دیدگاه شهروندان

برای بررسی وضعیت شاخص‌های خدمات آموزشی و فرهنگی در نواحی مختلف شهر ایلام، از آزمون t تست تک‌نمونه‌ای استفاده گردید و با توجه به طیف ۵ گانه لیکرت، میانگین فرضی ۳ در نظر گرفته شد؛ بنابراین برای پاسخگویی به اینکه کدام نواحی در اولویت بیشتری برای بسترسازی عدالت فضایی قرار دارند؟ و کدام نواحی در وضعیت مناسبی قرار دارند؟ به اختلاف میانگین نگاه می‌کنیم. اختلاف میانگین به دست آمده در جدول شماره (۸) نشان می‌دهد که شهروندان نواحی پیچ آشوری و ویزن، رضایت نسبتاً بالایی از کیفیت و کمیت خدمات آموزشی و فرهنگی در این نواحی داشته‌اند و Sig نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ همچنین اختلاف میانگین به دست آمده، گویای این واقعیت است که شهروندان نواحی مرکزی و بانبرز، نسبت به کیفیت و کمیت خدمات آموزشی و فرهنگی، رضایت خیلی کمی دارند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که در بین نواحی مختلف شهر ایلام، نواحی مرکزی و بانبرز در اولویت بیشتری برای بالابردن کمیت و کیفیت خدمات آموزشی، فرهنگی و بسترسازی عدالت فضایی قرار دارند.

جدول شماره (۸). سنجش وضعیت خدمات آموزشی و فرهنگی نواحی

مختلف شهر ایلام از دید شهروندان

Test Value=3							نواحی
میانگین فرضی	sig	درجه آزادی	مقدار t	فراوانی	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	
۳	۰/۰۴۰	۶۶	۰/۷۲۰	۶۷	۰/۳۶۶	۰/۰۴۵	ویزن
۳	۰/۰۲۸	۶۹	۲/۲۶۹	۷۰	۰/۶۹۴	۰/۲۶۱	پیچ آشوری
۳	۰/۰۴۴	۶۷	-۲۶/۷۰۷	۶۸	۰/۴۵۹	-۱/۴۱۵	مرکزی
۳	۰/۰۰۰	۵۲	-۲۸/۲۳۱	۵۳	۰/۳۸۰	-۱/۵۴۳	بانبرز

منبع: محاسبات نگارندگان

## نتیجه گیری

اینکه توسعه پایدار، مستلزم برقراری عدالت اجتماعی و فضایی در شهرهاست یک اصل پذیرفته شده است؛ بنابراین رفع نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، کاهش آسیب پذیری اقشار کم درآمد و توزیع بهینه خدمات و امکانات، مستلزم ارزیابی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در فضاهای شهری است که می تواند در سنجش میزان عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی شهروندان در چارچوب طرح ها و برنامه های عمرانی، اجتماعی و اقتصادی مفید واقع شود. نیازهای اساسی شهروندان از جمله اموری هستند که بر اهمیت نگرش به توسعه پایدار می افزایند؛ لذا نواحی ۱۴ گانه شهر ایلام از لحاظ میزان برخورداری از عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و از نظر نابرابری در ساختار فضایی با تأکید بر خدمات آموزشی و فرهنگی تحلیل شد. این بررسی نشان می دهد که یافتن الگوی واحد توزیع خدمات آموزشی و فرهنگی در نواحی شهر ایلام میسر نیست. از میان ۱۰ شاخص عدالت اجتماعی مورد نظر این پژوهش، نواحی ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، نسبت به دیگر مناطق، ضعیف تر هستند؛ اما الگوی محرومیت در توزیع همه خدمات آموزشی و فرهنگی در آنها یکسان نیست. با توجه به شاخص های عدالت فضایی و استفاده از اولویت بندی که از نتیجه مدل تاپسیس به وجود آمد، نواحی در سه سطح بالا، متوسط و پایین، مورد سنجش قرار گرفتند؛ نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

- نواحی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۷ با میانگین ضریب اولویت ۰/۶۳ در سطح بالا و برخوردار قرار دارند.

- نواحی ۸، ۶ و ۹ با میانگین ضریب اولویت ۰/۲۰ در سطح متوسط (نیمه برخوردار) قرار گرفتند.

- نواحی ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۲ و ۱۴ نیز با میانگین ضریب اولویت ۰/۰۷ در سطح پایین (محروم از لحاظ برخورداری از شاخص های عدالت فضایی) قرار دارند.

بررسی کیفیت فضاهای آموزشی و فرهنگی در نواحی مختلف شهر ایلام، با توجه به اینکه از هر ۴ منطقه، یک ناحیه مورد سنجش قرار گرفته است و نواحی انتخابی شامل پیچ آشوری، ویژن، مرکزی و بانبرز و فضاهای آموزشی، شامل ۱۰ گویه (موزه، دانشگاه، کتابخانه، آموزشگاه موسیقی، آموزشگاه هنرهای تجسمی، مدارس دولتی، مدارس غیردولتی، انتشارات، نشریات و مؤسسات) بوده اند، نشان می دهد که شهروندان ناحیه پیچ آشوری، با میانگین ۳/۳۱ و شهروندان ناحیه ویژن



با میانگین ۳/۱۲ از ۵، بیشترین رضایت را از کیفیت خدمات آموزشی و فرهنگی داشته‌اند؛ اما شهروندان نواحی مرکزی و بانبرز به ترتیب با میانگین ۱۳/۳۳ و ۱/۱۲ از ۵ کمترین رضایت را از خدمات مذکور داشته‌اند. مجموع درصدها و طیف‌های ضعیف و خیلی ضعیف نیز بیانگر نارضایتی ۵۴ درصدی شهروندان نواحی مختلف شهر ایلام از کیفیت فضاهای آموزشی و فرهنگی است.

برای بررسی وضعیت شاخص‌های خدمات آموزشی و فرهنگی در نواحی مختلف شهر ایلام، از آزمون t تست تک‌نمونه‌ای استفاده گردید و با توجه به طیف ۵ گانه لیکرت، میانگین فرضی ۳ در نظر گرفته شد؛ بنابراین برای پاسخگویی به اینکه کدام نواحی در اولویت بیشتری برای بسترسازی عدالت فضایی قرار دارند؟ و کدام نواحی در وضعیت مناسبی قرار دارند؟ به اختلاف میانگین نگاه می‌کنیم. اختلاف میانگین به دست آمده در جدول شماره (۸) نشان می‌دهد که شهروندان نواحی پیچ آشوری و ویژن، رضایت نسبتاً بالایی از کیفیت و کمیت خدمات آموزشی و فرهنگی در این نواحی داشته‌اند و Sig نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ همچنین اختلاف میانگین به دست آمده، گویای این واقعیت است که شهروندان نواحی مرکزی و بانبرز، نسبت به کیفیت و کمیت خدمات آموزشی و فرهنگی، رضایت خیلی کمی دارند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که در بین نواحی مختلف شهر ایلام، نواحی مرکزی و بانبرز در اولویت بیشتری برای بالابردن کمیت و کیفیت خدمات آموزشی، فرهنگی و بسترسازی عدالت فضایی قرار دارند.

## ۵. پیشنهادات

- حمایت از فعالیت‌ها و گروه‌های فرهنگی و هنری در شهر ایلام بخصوص گروه‌های محروم در جهت کاستن از تضادها؛
- توجه به فضاهای آموزشی و فرهنگی در طرح‌های آینده شهر برای تخصیص عادلانه امکانات آموزشی و فرهنگی برای شهروندان؛
- احداث فضاهای آموزشی و فرهنگی در مناطق محرومی چون: نواحی مرکزی و بانبرز؛
- افزایش کیفیت فضاهای آموزشی و فرهنگی در نواحی ای چون: نواحی مرکزی و بانبرز که از کیفیت چنین فضاهایی ناراضی هستند.

## منابع و مأخذ

## الف) فارسی

- آمارنامه شهر ایلام؛ (۱۳۹۲)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ادیبی، حسین؛ (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- اطهاری، کمال؛ (۱۳۸۱)، «عدالت در فضا»، مجله هفت شهر، سال سوم، شماره نهم و دهم، تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.
- افروغ، عماد؛ (۱۳۷۶)، فضا و نابرابری اجتماعی: مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران، پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- انصاری، ابراهیم؛ (۱۳۷۸)، نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران، اصفهان: غزل.
- تاملین، ملوین؛ (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی و قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.
- چلبی، مسعود؛ (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)، تهران: نی.
- حاتمی‌نژاد، حسین و عمران راستی؛ (۱۳۸۵)، «عدالت اجتماعی و عدالت فضایی، بررسی و مقایسه نظرات جان رالز و دیوید هاروی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۶۹ و ۲۷۰.
- \_\_\_\_\_، رحمت‌الله فرهودی و مرتضی محمدپور جابری؛ (۱۳۸۷)، «تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری (مورد مطالعه: شهر اسفراین)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۰، شماره ۶۵.
- حبیبی، کیومرث، هوشمند علیزاده، وراز مرادی مسیحی، سیوان ولدببگی و ساسان وفایی؛ (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی در ساختار فضایی شهر سنندج»، آرمان‌شهر، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱۰۳-۱۱۲.
- حسینی شه‌پریان، نبی‌الله؛ (۱۳۹۴)، تحلیلی بر عدالت فضایی با تأکید بر خدمات عمومی شهری در مناطق شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین و GIS، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز.



- خبوک، طیبه؛ (۱۳۹۳)، ارزیابی توزیع فضایی خدمات شهری با رویکرد عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: منطقه ۳ بندرعباس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی و جغرافیا، دانشگاه یزد.

- خدمتی مرصع، اسماعیل، محسن اسدی لاری، آمنه ستاره فروزان، سیدرضا مجدزاده، مهدی میرحیدری و سیدحمید نبوی؛ (۱۳۹۱)، «نابرابری قابل اجتناب اقتصادی- اجتماعی در توزیع سلامت روان در شهر تهران: رویکرد استانداردهای شاخص تجمعی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، دوره ۴، شماره ۳، ۱۱۳-۱۲۰.

- خوارزمی، شهیندخت؛ (۱۳۸۷)، «کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران»، پایگاه اطلاع‌رسانی علوم ارتباطات در ایران، دوره ششم، شماره ۳. - دارندورف، رالف؛ (۱۳۷۱) «درباره منشأ نابرابری‌های اجتماعی»، ترجمه ح. قاضیان، مجله نامه فرهنگ، شماره ۷، صص ۳۹-۴۷.

- دورکیم، ا؛ (۱۳۶۹)، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.

- راولز، جان؛ (۱۳۸۳)، عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.

- ربانی خوراسگانی، رسول، صمد کلانتری و سیدعلی هاشمیان‌فر؛ (۱۳۹۰)، «بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، ۲۶۷-۳۰۵.

- ساوج، مایک و آلن وارد؛ (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، تهران: سمت.

- سرایی، محمدحسین، سمانه ایرجی و فرزانه رستا؛ (۱۳۹۳)، «بررسی میزان انطباق نابرابری‌های اجتماعی و فضایی نواحی هشتگانه شهر یزد»، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، مشهد مقدس.

- شریفی، عبدالنبی؛ (۱۳۸۵)، عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز، پایان‌نامه دوره دکترای جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.

- شیخی، محمدتقی؛ (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی شهری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عبدی دانشپور، زهره؛ (۱۳۷۸)، «تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مورد تهران»، مجله صفه، سال نهم، شماره بیست و نهم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کلانتری عبدالحسین، آرش نصر اصفهانی و هاشم آرام؛ (۱۳۹۲)، توزیع فضایی امکانات و خدمات و تناسب آن با جمعیت ساکن در مناطق شهر تهران (گزارش شماره ۱۷۲)، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- گرپ، ادوارد بی؛ (۱۳۷۳)، نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاده، تهران: معاصر.
- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- لشکری، علیرضا؛ (۱۳۸۸)، «حق، عدالت و جامعه»، جستارهای اقتصادی، دوره ۶، شماره ۱۲.
- لطفی، صدیقه، ایوب منوچهری میان‌دوآب و حسن آهار؛ (۱۳۹۲)، «شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مورد مطالعه: محلات مراغه)»، تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۸، شماره ۲ (پیاپی ۱۰۹)، صص ۶۹-۹۲.
- محمدزاده، مهین؛ (۱۳۸۸)، جدایی‌گزینی فضایی در شهر مشهد با تأکید بر جدایی‌گزینی درآمدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مرصوصی، نفیسه؛ (۱۳۸۶)، «تحلیلی جغرافیایی از تئوری‌های عدالت اجتماعی»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۷، شماره ۵.
- ملکی، سعید؛ (۱۳۹۰)، «سنجش توسعه پایدار در نواحی شهری با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی (نمونه موردی: شهر ایلام)»، مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۹، پیاپی ۲۱، ۱۱۷-۱۳۶.
- ملک، حسن؛ (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- وارثی، حمیدرضا، علی زنگی‌آبادی و حسین یغفوری؛ (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی: زاهدان»،



جغرافیا و توسعه، دوره ۶، شماره ۱۱، ۱۳۹-۱۵۶.

- وبر، ماکس؛ (۱۳۶۷)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، تهران: مرکز.

- هادی زنوز، بهروز؛ (۱۳۸۵)، «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.

- هاروی، دیوید؛ (۱۳۷۹)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و محمدرضا حائری، چ دوم، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- یوسفی، علی و سمیه ورشوئی؛ (۱۳۹۰)، «نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد: برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۴، شماره ۴، ۹۷-۱۲۵.

- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۸)، «تأملی بر مرزبندی اجتماعی فضای شهری مشهد: طبقه‌بندی منزلتی نواحی شهر»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ششم، شماره ۲، صص ۶۹-۷۲.

### ب) انگلیسی

- Burton, E., 2001, The Compact City and Social Justice, A Paper Presented to the Housing, Studies Association Spring Conference, Housing, Environment and Sustainability, University of York. 1.
- Hall, P. (1996). Cities of tomorrow, Oxford press.
- Shakoei, H. (1999). New Ideas in Philosophy, Geography (3 ed.): Gitashenasi press, 141 Journal, Vol. 9, No. 29, PP. 34-57. (In Persian).
- Shakoei, H. (2000). New perspectives in urban geography. Tehran: SAMT.
- Tsou, Ko-Wan, Yu-Ting Hung, and Yao-Lin Chang (2005). An accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities. Cities, Vol.22, No. 6.